

## بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی

رضا خجسته‌مهر\*، سحر فرامرزی\*\*، غلامرضا رجبی\*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی بود. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۳۰۰ نفر (۱۳۸ مرد و ۱۶۲ زن) بودند که از میان کارکنان متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز با روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از سنجۀ ادراک انصاف (MEP) و سنجۀ کیفیت زناشویی (MMQ). تنها فرضیۀ پژوهش عبارت بود از: ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی اثر مثبت دارد. برای ارزیابی مدل پیشنهادی از روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزار AMOS ویرایش ۷ استفاده شد. مدل ارزیابی شده از شاخص‌های برازندگی خوبی برخوردار بود. نتایج الگویابی معادلات ساختاری نشان داد که ادراک انصاف در روابط زناشویی بر کیفیت زناشویی اثر مثبت قوی دارد. مضامین آموزشی نتایج و مدل ارائه شده در پژوهش حاضر به تفصیل بررسی شده است.

### کلید واژه‌ها

ادراک انصاف، کیفیت زناشویی، مدل سازی معادله ساختاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* نویسنده مسئول: دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز  
khojasteh\_r@scu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران

\*\*\* دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۹

## مقدمه

کیفیت زناشویی عبارت است از ارزیابی ذهنی زوجین از ازدواجشان که این ارزیابی جنبه‌های متفاوتی از رابطه زناشویی را دربرمی‌گیرد. کیفیت و بقای رابطه زناشویی به وجود عناصری بستگی دارد که باعث استحکام و تداوم این رابطه و ایجاد تفاهم می‌شود (بلیر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). کیفیت زناشویی مفهومی پویاست، ماهیت و کیفیت روابط زناشویی می‌تواند در طی زمان تغییر کند. این امر امکان تشخیص عواملی را فراهم می‌کند که می‌توانند کیفیت رابطه را تغییر دهند؛ اگرچه رابطه بین این عوامل ممکن است پیچیده باشد، ولی بین این عوامل تعامل وجود دارد. به طور کلی، به احساس و نظر کلی که افراد، با در نظر گرفتن وجود یا نداشتن تعامل‌های منفی میان خود و همسر خود، نسبت به رابطه خود دارند کیفیت زناشویی گفته می‌شود (لارسون و هولمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

اسپاینر و لوئیس (۱۹۷۶) معتقد هستند که کیفیت زناشویی یک پدیده چند بعدی است که در پژوهش‌های سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. کیفیت زناشویی یک تصویر ثابت از طبقه‌بندی‌های پیوسته را شامل نمی‌شود، بلکه طیفی را منعکس می‌کند که ویژگی‌های مهمی از تعاملات و عملکردهای زناشویی را دربرمی‌گیرد. مثلاً یک کیفیت بالا در مقابل یک کیفیت پایین زناشویی. اصطلاحاتی مانند سازگاری، رضایت، شادی، انسجام و تعهد برای توصیف کیفیت زناشویی به کار برده می‌شوند (لوئیس و اسپاینر، ۱۹۷۹). کیفیت زناشویی با ردیفی از متغیرها مانند اشتغال (بلیر، ۱۹۹۳)، سبک شناختی و ادراکی (ساباتلی و بلاک<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳)، بها و هزینه‌های رابطه (کلارک و گروت، ۱۹۹۸)، رویدادهای زندگی (تیزر و بیچ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸)، عشق و دوست داشتن (هیچ<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۴) مرتبط است (به نقل از پری<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). تعدادی از نظریه پردازان زناشویی نظریه‌های خود را درباره کارکردهای زناشویی و کیفیت

- 
1. Blair
  2. Larson & Holman
  3. Bluck
  4. Tesser & Beach
  5. Hecht
  6. Perry

زناشویی بر پایه نظریه مبادله اجتماعی<sup>۱</sup> و مدل تبادل منصفانه<sup>۲</sup> در روابط بنا نهادند (لیدر و جکسون<sup>۳</sup>، ۱۹۶۸، پاترسون و رید<sup>۴</sup>، ۱۹۷۸؛ به نقل از اسپرچر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). در بررسی ادبیات موجود از نظریه مبادله اجتماعی و نظریه انصاف برای تبیین و توضیح مفهوم عدالت در روابط استفاده می‌شود. از آنجایی که نظریه مبادله اجتماعی زیر بنای نظریه انصاف (پری، ۲۰۰۴) است، ابتدا این نظریه ارائه خواهد شد. به عبارت دیگر نظریه مبادله اجتماعی یکی از نظریه‌های مهم در زمینه ازدواج و خانواده است که توجیه و تبیین مناسبی برای کیفیت و نحوه روابط زناشویی ارائه می‌کند (پری، ۲۰۰۴).

نظریه مبادله اجتماعی که در پژوهش‌های مربوط به ازدواج و روابط بسیار نزدیک عنوان شده است از نظریه وابستگی میان فردی تایبوت و کلی<sup>۶</sup> (۱۹۵۹؛ به نقل از خجسته مهر، ۱۳۸۴) گرفته شده است و بیان می‌کند روابط رشد می‌کنند، توسعه می‌یابند، محو می‌شوند و به عنوان پیامد<sup>۷</sup> یک فرایند تبادل اجتماعی آشکار منحل می‌شوند که ممکن است به عنوان دادوستد پاداش‌ها<sup>۸</sup> و هزینه‌ها<sup>۹</sup> میان زوجین و میان دیگران تلقی شود (هوستن و برگس<sup>۱۰</sup>، ۱۹۷۹، به نقل از خجسته مهر). مطابق نظریه مبادله اجتماعی حفظ یا انحلال یک رابطه مبتنی بر نحوه تبادل پاداش‌ها و هزینه‌های بین اعضای رابطه است. به عبارت دیگر، حفظ یا انحلال یک رابطه به این بستگی دارد که اعضای یک رابطه چگونه هزینه‌ها یا پاداش‌های مربوط به ادامه یا خاتمه رابطه را ارزیابی می‌کنند. بنابراین، حاصل محاسبه آگاهانه و ناخودآگاه هزینه‌ها و مزایای مربوط به ادامه یا خاتمه یک رابطه، وضعیت آن رابطه را تعیین می‌کند. افراد به دنبال مبادلات پاداش‌دهنده هستند و تلاش کمتری را برای حفظ هزینه‌ها در مقایسه با پاداش‌ها می‌کنند. روشن است که یک شخص در یک رابطه می‌ماند اگر جاذبه‌های درونی آن ازدواج قوی‌تر از

1. social exchange theory
2. equity model
3. Lederer & Jackson
4. Patterson & Reed
5. Sprecher
6. Thaubaut & Kelley
7. Result
8. rewards
9. costs
10. Huston & Burgess

جاذبه‌های بیرونی آن باشد. برعکس، اگر هزینه‌های طلاق بالا باشند حتی با وجود بسیار جذاب بودن گزینه‌های دیگر، احتمالاً طلاق رخ نخواهد داد (پرز و اسپرنکل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از خجسته مهر، ۱۳۸۴).

نظریه انصاف یک مدل کلی برای درک روابط میان فردی ارائه می‌دهد که توأم بر اساس اصول تقویت و نیز مضمون اقتصادی است. این نظریه رضایت افراد از یک رابطه را بر حسب ارزیابی ادراک آن‌ها از توزیع منصفانه یا غیر منصفانه منابع در طی روابط میان فردی بررسی می‌کند. بهترین تعریف برای انصاف این است که آن را حالتی از یک موازنه بدانیم که زمانی به دست می‌آید که برای شرکت کنندگان در یک تعامل نتایجی مناسب با درون داده‌های آن‌ها اختصاص یابد. به بیان ساده انصاف آن زمانی در تعاملات بین شخصی شایع است که برون دادهایی (نتایج و پیامدها) که یک شخص از تعامل بین فردی به دست می‌آورد برابر باشند با درون دادهایی که او در آن تعامل سرمایه گذاری کرده است (اسپرچر، ۱۹۸۶).

ایده انصاف با قاعده عدالت توزیعی، که هومنز آن را توصیف کرده است، شباهت زیادی دارد. این قاعده بیان می‌دارد که زمانی که درون دادهای افراد در ارتباط به برون دادهای آن‌ها از ارتباط نزدیکتر باشد رضایت بیشتری دارند. در واقع نظریه انصاف اصل عدالت میان فردی را در بر می‌گیرد که به طور ضمنی در هر قرارداد و تعامل اجتماعی به چشم می‌خورد. نظریه انصاف علاوه بر قاعده عدالت توزیعی از چهارچوب نظریه تبادل اجتماعی نیز استفاده می‌کند. انصاف را می‌توان یک اصلی تصور کرد که در اثر تعارض تمایلات میان فردی برای به حداکثر رساندن پاداش‌های شخصی و نیز نیازهای واحدهای اجتماعی برای توزیع مناسب و عادلانه منابع پدیدار می‌شود (شاو و کستانزو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲).

بر اساس این نظریه‌ها یکی از عواملی که بر کیفیت و بقای رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد این مسأله است که زوجین انصاف<sup>۳</sup> را در رابطه با یکدیگر احساس کنند. افراد به تعادل پیامدهای مثبت و منفی در رابطه تمایل دارند. به این تعادل به اصطلاح انصاف گفته می‌شود. انصاف یک عامل مهم در روابط سالم است و اهمیت آن در ازدواج به اندازه‌ای است که در

- 
1. Perez & Sprenkle
  2. Shaw & Costanzo
  3. equity

سازگاری زناشویی و احساس حمایت اجتماعی در زوجین و تقویت احساس صمیمیت و کاهش خیانت زناشویی اثر می‌گذارد (پری، ۲۰۰۴). یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که نظریه انصاف چارچوب مفیدی برای درک روابط صمیمانه قراردادی مانند ازدواج فراهم می‌کند (والستر<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۷۸).

بر اساس نظریه انصاف می‌توان رضایت رابطه را بر حسب ادراک از توزیع منصفانه یا غیر منصفانه منابع<sup>۲</sup> در طی روابط میان فردی تبیین کرد (والستر و همکاران، ۱۹۷۸). بر طبق نظریه انصاف زمانی که نسبت سرمایه‌گذاری به پاداش برای یک شریک با شریک دیگر متفاوت باشد رابطه متعادل نیست (وان پرن و بانک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰، والستر و همکاران، ۱۹۷۳؛ به نقل از اسپرچر، ۲۰۰۱).

والستر و همکاران (۱۹۷۸) چهار گزاره اصلی را پیشنهاد کردند که گمان‌ها و فرضیه‌های کلی را درباره چهارچوب نظریه انصاف در برمی‌گیرند. گزاره اول، این که افراد سعی می‌کنند پی آمدهای خودشان را به حداکثر برسانند (پیامد<sup>۴</sup> مساوی است با پاداش<sup>۵</sup> منهای هزینه<sup>۶</sup>)، گزاره دوم، این که گروه‌ها می‌توانند با ایجاد سیستم‌های پذیرفته شده برای برقراری پاداش‌ها و هزینه‌های منصفانه در میان اعضا پاداش دهی را به حداکثر برسانند، گزاره سوم، این که وقتی افراد خود را در یک رابطه غیرمنصفانه احساس کنند دچار درماندگی می‌شوند. هرچه این رابطه غیرمنصفانه‌تر باشد احساس درماندگی بیشتری می‌کنند و گزاره چهارم، این که افرادی که خود را در یک رابطه نابرابر و غیرمنصفانه<sup>۷</sup> احساس کنند تلاش خواهند کرد درماندگی خود را با ایجاد انصاف (برابری) رفع کنند.

به طور خلاصه فرضیه‌های نظریه انصاف را می‌توان به این صورت بیان کرد، ۱- در روابط عاشقانه زودگذر و دائمی زوج‌هایی که احساس می‌کنند روابط آن‌ها منصفانه است نسبت به آن‌هایی که این احساس را ندارند، احتمال بیشتری وجود دارد که روابط صمیمانه‌تری را تجربه

- 
1. Walster
  2. resource
  3. Van Peern & Buunk
  4. Result
  5. reward
  6. costsunequitable
  7. unequitable

کنند؛ ۲- روابط منصفانه روابط سازگاری خواهند بود؛ ۳- هنگامی که بی انصافی آرامش زوجین را به هم می‌ریزد، زوجین تلاش خود را جهت حل کردن این مسأله و بازگرداندن برابری در رابطه ادامه می‌دهند؛ ۴- در همه روابط همیشه در دوره‌های تغییرات ناگهانی (مانند زمان تولد اولین بچه) رابطه نامتعادل می‌شود؛ و ۵- انصاف موجب ثبات رابطه است (والستر و همکاران، ۱۹۷۸).

نظریه‌پردازان انصاف معتقد هستند که شکستن هنجارهای عدالت در روابط زناشویی عواقب منفی را به همراه دارد. بدین صورت که زوجین در روابط غیرمنصفانه سطوح بالاتری از افسردگی (گلاس و فوجیموتو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴) و میزان کمتری از رضایت زناشویی (هاتفلد<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲)، سازگاری زناشویی (دیویدسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴) و کیفیت زناشویی (پینا و بنگسان<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳) را تجربه می‌کنند (به نقل از وان ویلیجن و دیرنتا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱).

لاید<sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۸۲) ارتباط بین انصاف، پاداش‌ها و رضایت را در روابط صمیمانه بررسی کرد. محققان به منظور ارزیابی انصاف، رضایت رابطه و پاداش‌ها (که به صورت عشق، خدمات، خوبی، پول و اطلاعات تعریف می‌شود) با ۳۲۵ دانشجوی مصاحبه کردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که انصاف پیش‌بین قوی رضایت از رابطه است. وان پرن و بانک (۱۹۹۰) یک مطالعه طولی روی ۷۳۶ شرکت‌کننده انجام دادند. آن‌ها دریافتند که انصاف با رضایت مرتبط است. کیت<sup>۷</sup> و همکاران (۱۹۸۲) اثر انصاف و سطوح پاداش را بر رضایت رابطه بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که سطوح پاداش در پیش‌بینی رضایت بر انصاف تقدم دارد. ویکی<sup>۸</sup> و همکاران (۱۹۹۸) به منظور بررسی تأثیر تقسیم کارهای خانه بر رضایت زناشویی در زوجین دو درآمدی یک بررسی تلفنی را روی ۳۸۲ زوج انجام دادند. آن‌ها دریافتند که ادراک انصاف در تقسیم کارهای خانه ارتباط تنگاتنگی با رضایت زناشویی دارد.

تاکنون به لحاظ نظری و عملی پژوهش‌های زیادی درباره پیش‌بین‌های کیفیت زناشویی

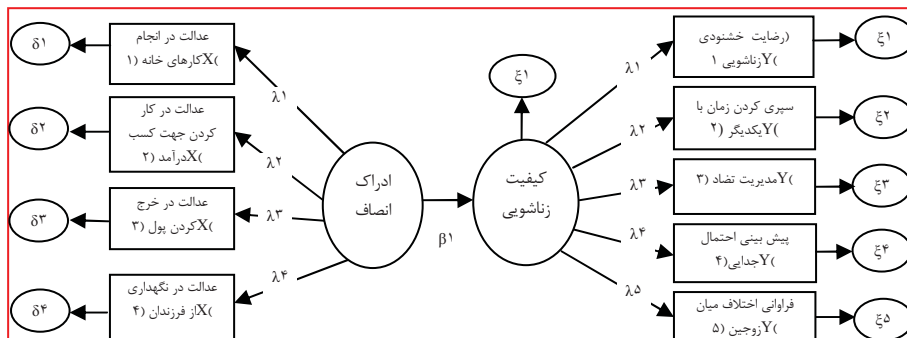
- 
1. Glass & Fujimoto
  2. Hatfield
  3. Davidson
  4. Pina & Bengtson
  5. Vanwilligen & Derentea
  6. Liloyd
  7. Cate
  8. Wilkie

انجام و مدل‌های زیادی در این زمینه ارائه شده است. یکی از مدل‌های ارائه شده مدل انصاف است. یکی از راه‌های سنجش انصاف کلی در رابطه، ارزیابی انصاف در حیطه‌های مختلف ارتباط است. در این پژوهش انصاف از طریق ارزیابی عدالت<sup>۱</sup> در حیطه‌های مختلف ارتباط بررسی شده است. مدل عدالت<sup>۲</sup> یک مقیاس جانشین برای نظریه انصاف در سنجش انصاف و عدم انصاف در میان شریکان یک رابطه است. طبق مدل عدالت یک فرد به وسیله مقایسه درون‌دادها و برون‌دادهایش با چارچوب قیاس درونی خود درباره وجود عدالت در رابطه خود و همسرش قضاوت می‌کند (کارل و دیتریک<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸). عدالت یک مفهوم هم‌ارز با انصاف است و هر دو بر این موضوع دلالت دارند که سرمایه‌گذاری‌ها در یک رابطه با پاداش‌های کسب شده از آن رابطه، نسبت مستقیم دارند. بنابراین، ۴ حیطه مختلف از عدالت در رابطه زناشویی مقیاس انصاف را در این پژوهش تشکیل می‌دهد. استفاده از عدالت به عنوان مقیاسی برای سنجش انصاف در این پژوهش جدید نیست و عدالت در پژوهش‌های قبلی نیز به عنوان شاخصی از انصاف به کار برده شده است (فریسکو و ویلیامز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳).

بررسی ارتباط بین انصاف و کیفیت زناشویی به ما این امکان را می‌دهد که به شیوه صحیح‌تری با این مسأله در ازدواج مواجه شویم. اگر افزایش انصاف در رابطه با افزایش کیفیت زناشویی مرتبط باشد، اطلاعات مفیدی در دسترس نظریه‌پردازان و درمانگران بالینی قرار می‌گیرد. پری (۲۰۰۴) برای بررسی ارتباط بین کیفیت زناشویی و انصاف مدل زیر را پیشنهاد کرد که برای اولین بار در این پژوهش به بررسی این مدل در جامعه ایران اقدام می‌شود.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا مدل پیشنهادی مربوط به اثر ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی (پری، ۲۰۰۴) برازنده داده‌های طرح پیشنهادی پژوهش حاضر است؟ لذا فرضیه مورد آزمون در پژوهش حاضر بدین صورت خواهد بود: ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی اثر مثبت دارد.

- 
1. fairness
  2. fairness model
  3. Carell & Ditttrich
  4. Frisco & Williams



شکل ۱: مدل انصاف به عنوان پیش‌بین کیفیت زناشویی (پری، ۲۰۰۴)

## روش پژوهش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه کارمندان متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز بود که در سال ۸۸ در ادارات دولتی شهر اهواز مشغول به کار بودند. ابتدا لیست اداره‌های دولتی شهر اهواز مشخص و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای از بین این اداره‌ها تعداد ۱۰ اداره به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم لیست کارمندان هر اداره به صورت مجزا (زنان و مردان) تهیه شد و از میان کارمندان این ادارات و با توجه به نسبت نمونه برداری هر اداره، تعداد ۴۰ نفر (۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد) بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) به صورت تصادفی انتخاب شد و پاکت‌های حاوی پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. از مجموع ۴۰۰ نفر کارمندان متأهل، تعداد ۳۰۰ نفر از آن‌ها (۱۶۲ نفر زن و ۱۳۸ نفر مرد) به ابزارهای این پژوهش پاسخ دادند.

میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان زن به ترتیب ۳۵/۱۵ و ۶/۹ سال و مدت زمان ازدواج آن‌ها با میانگین ۶/۶۹ و انحراف استاندارد ۶/۵۵ سال بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد تحصیلات زنان به ترتیب ۱۳/۱۴ و ۱/۶۱ کلاس و میانگین و انحراف استاندارد تعداد فرزندان آن‌ها به ترتیب ۱/۴ و ۰/۸۹ بود. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان مرد به ترتیب ۳/۷۶ و ۸/۰۳ سال و مدت زمان ازدواج آن‌ها با میانگین ۱۱/۸۳ و

1. Krejcie & Morgan



انحراف استاندارد ۷/۴۲ سال بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد تحصیلات آن‌ها به ترتیب ۱۳/۱۱ و ۲/۰۲ کلاس و میانگین و انحراف استاندارد تعداد فرزندان آن‌ها به ترتیب ۱/۸۷ و ۱/۲ بود.

### طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیل ماتریس کواریانس یا همبستگی (تحلیل مدل معادلات ساختاری) است که اثر انصاف بر کیفیت زناشویی را بررسی می‌کند. این مدل برآوردهایی از پارامترهای مدل (ضرایب مسیر و جملات خطا) و چند شاخص نیکویی برازش را اندازه می‌گیرد.

### ابزارهای پژوهش

۱- **سنجه ادراک انصاف<sup>۱</sup> (PEM)**. پری (۲۰۰۴) این سنجه را ساخته است. در این سنجه، عدالت<sup>۲</sup> به عنوان شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته شده است و شامل ۴ سؤال (سنجه) است که ادراک انصاف را در ۴ حیطه انجام دادن کارهای خانه، کارکردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. هرچند که در پیشینه پژوهش کارکردن برای کسب درآمد و خرج کردن پول جزء کارهای خانه طبقه بندی شده‌اند، اما در این پژوهش به عنوان شاخص‌هایی از انصاف در نظر گرفته می‌شوند. نگهداری از فرزندان ارتباط نزدیکی با سایر حیطه‌های کارها و وظایف خانگی دارد به صورتی که کوتاهی در انجام دادن یکی از این وظایف نشان دهنده افزایش حجم کار در حیطه‌های دیگر است (پری، ۲۰۰۴). سؤال‌های این سنجه به صورت طیف لیکرت به ترتیب از ۱ (بسیار ناعادلانه از نظر من)، ۲ (بسیار ناعادلانه از نظر همسر)، ۳ (تاحدی ناعادلانه از نظر من)، ۴ (تاحدی ناعادلانه از نظر همسر) و ۵ (عادلانه برای من و همسر) نمره‌گذاری می‌شوند. پری (۲۰۰۴) پایایی این سنجه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این سنجه با روش آلفای کرونباخ در نمونه زنان ۰/۸۱ و در نمونه مردان ۰/۸۳ محاسبه شد. پری (۲۰۰۴) در پژوهش خود به منظور بررسی روایی این سنجه، با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، ساختار یک عاملی این سنجه را تأیید کرده است. در پژوهش حاضر

---

1. Perceived Equity Measure

2. Fairness

نیز ضریب اعتبار سازه این سنجه با همبسته کردن آن با ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH)، که السون<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲) ساخته‌اند، در نمونه زنان ۰/۷۰ و در نمونه مردان ۰/۶۱ محاسبه شد ( $p < ۰/۰۰۱$ ).

**۲- سنجه کیفیت زناشویی<sup>۲</sup> (MMQ).** پری (۲۰۰۴) این سنجه را تدوین کرده و شامل پنج سنجه است که برای ارزیابی کیفیت زناشویی استفاده می‌شود که عبارتند از الف) سنجه خشنودی در ارتباط که تک پرسشی است و پاسخ‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (خیلی ناشاد) تا ۵ (خیلی شاد) درجه‌بندی شده‌اند، ب) سنجه میزان سپری کردن زمان با یکدیگر نیز تک پرسشی و پاسخ‌ها در یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (هرگز) تا ۶ (تقریباً هر روز) درجه‌بندی شده‌اند، ج) سنجه مدیریت تضاد دارای سه پرسش است و پاسخ‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) درجه‌بندی شده‌اند، د) سنجه احتمال جدایی زوجین از یکدیگر نیز تک پرسشی است و پاسخ‌ها در یک مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت از ۱ (احتمال خیلی کم) تا ۴ (احتمال زیاد) است و ه) سنجه فراوانی اختلاف سه پرسش دارد که پاسخ‌ها در یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (هرگز) تا ۶ (چندین بار در روز) درجه‌بندی شده‌اند. پری (۲۰۰۴) پایایی سنجه (متغیر مکنون) کیفیت زناشویی (MMQ) را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۶۱ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این سنجه با روش آلفای کرونباخ در نمونه زنان ۰/۸۵ و در نمونه مردان ۰/۸۵ محاسبه شد. پری (۲۰۰۴) در پژوهش خود به منظور بررسی روایی این سنجه، با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، ساختار یک عاملی این سنجه را تأیید کرده است. در پژوهش حاضر نیز برای تعیین اعتبار سازه سنجه کیفیت زناشویی از شاخص کیفیت ازدواج<sup>۳</sup> (QMI) (نورتون<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳؛ به نقل از کرایبی، ۱۳۸۷) استفاده شد که ضرایب همبستگی بین سنجه کیفیت زناشویی و شاخص کیفیت زناشویی در نمونه زنان ۰/۸۵ و در نمونه مردان ۰/۸۷ محاسبه شد ( $p < ۰/۰۰۱$ ).

- 
1. Olson
  2. Measure of Marital Quality
  3. Quality of Marriage Index
  4. Norton

## یافته‌های پژوهش

### الف. یافته‌های توصیفی

مندرجات جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های زنان و مردان در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زنان و مردان در متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف معیار
۱	انجام‌دادن کارهای خانه	۴/۱ (۳/۶۶)	۱/۲۳ (۱/۴۷)
۲	کارکردن برای کسب درآمد	۴/۱۸ (۴/۵۸)	۱/۳۱ (۱)
۳	خرج کردن پول	۴/۳۱ (۴/۵۴)	۱/۲۲ (۰/۹۹)
۴	نگهداری از فرزندان	۴/۱۸ (۳/۸۵)	۱/۱۴ (۱/۳۲)
۵	خشنودی در ارتباط	۳/۸۵ (۳/۷۴)	۱ (۰/۸۸)
۶	میزان سپری کردن زمان با یکدیگر	۴/۹۱ (۴/۹۳)	۱/۳۷ (۱/۴۵)
۷	مدیریت تضاد	۳/۹۳ (۳/۹۳)	۰/۷۸ (۰/۷۸)
۸	احتمال جدایی زوجین از یکدیگر	۳/۵۹ (۳/۷۴)	۰/۸۲ (۰/۶۹)
۹	فراوانی اختلاف	۵/۱۲ (۵/۲۲)	۰/۹۱ (۰/۸۶)

اعداد داخل پرانتز مربوط به زنان است

به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، روابط بین متغیرها با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد شد. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ویرایش ۱۴ و AMOS ویرایش ۷ انجام شد. پیش از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. (۱) مجذورکای ( $\chi^2$ ) و ارزش  $P < 0.05$ ، (۲) نسبت مجذورکای ( $\chi^2$ ) به درجه آزادی، (۳) شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> (GFI)، (۴) شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته<sup>۲</sup> (AGFI)، (۵) شاخص برازندگی مقایسه‌ای<sup>۳</sup> (CFI)، (۶) شاخص برازندگی افزایشی<sup>۴</sup> (IFI)، (۷) شاخص بنتلر- بونت یا شاخص نرم شده برازندگی<sup>۵</sup>

1. Goodness of Fit Index
2. Adjusted Goodness of Fit Index
3. Comparative Fit Index
4. Incremental Fit Index
5. Normalized Fit Index

(NFI)، (۸) شاخص تاکر- لویز (TLI) و (۹) ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات<sup>۱</sup> (RMSEA). در جدول ۲ نتایج تحلیل‌ها و شاخص‌های برازندگی محاسبه شده بر روی مدل پیشنهادی را در نمونه مردان و زنان می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۲: برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

نمونه	$2\chi$	df	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
نمونه مردان	۲۹/۲۲	۲۶	۱/۱۲	۰/۹۵۹	۰/۹۲۹	۰/۹۹۵	۰/۹۹۲	۰/۹۹۴	۰/۹۵۳	۰/۰۳
نمونه زنان	۵۶/۸۳	۲۶	۲/۱۸	۰/۹۳۱	۰/۹۱۰	۰/۹۴۶	۰/۹۲۵	۰/۹۴۶	۰/۹۰۶	۰/۰۴۹

شاخص مجذورکای ( $\chi^2$ ) که یک شاخص برازندگی مطلق مدل به حساب می‌آید، هر چه از صفر بزرگتر باشد برازندگی مدل کمتر می‌شود. وقتی حجم نمونه برابر ۷۵ تا ۲۰۰ باشد مقدار مجذورکای ( $\chi^2$ ) یک اندازه معقول برازندگی است، اما برای مدل‌های با N بزرگتر، مجذورکای ( $\chi^2$ ) تقریباً همیشه از نظر آماری معنادار است (بولن و لانگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳ و کنی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱، به نقل از هومن، ۱۳۸۴) و این موجب می‌شود که آماره مجذورکای ( $\chi^2$ ) تقریباً همیشه مدل را رد کند (بتلر و بونت<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰؛ یورسکوگ و سوربوم<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳). معناداری مجذورکای ( $\chi^2$ ) به دست آمده در پژوهش حاضر نشانه برازش ضعیف مدل حاضر است، اما از آنجا که مجذورکای ( $\chi^2$ ) نسبت به اندازه نمونه بسیار حساس است بسیاری از پژوهشگران مجذورکای را نسبت به درجه آزادی آن (یعنی، مجذورکای نسبی) می‌سنجند. نسبت این شاخص اثر اندازه نمونه را بر مدل مجذورکای ( $\chi^2$ ) به حداقل می‌رساند (ویتون<sup>۶</sup>، و همکاران، ۱۹۷۷). برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند، چنانچه این شاخص کمتر از ۲ باشد برازندگی عالی<sup>۷</sup> و چنانچه بین ۲ الی ۵ باشد برازندگی خوب<sup>۸</sup> و چنانچه بزرگتر از ۵ باشد برازندگی ضعیف<sup>۹</sup> و

1. Root Mean Squared Error of Approximation
2. Bollen & Long
3. Kenny
4. Bentler & Bonnet
5. Jöreskog & Sörbom
6. Wheaton
7. excellent fit
8. okay fit
9. poor fit

نامقبول الگو را نشان می‌دهد (ویتون و همکاران، ۱۹۷۷؛ بولن، ۱۹۸۹؛ به نقل از کرایسی، ۱۳۸۷، تباکنیک و فیدل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

شاخص‌های برازندگی مانند شاخص برازندگی مقایسه‌ای (IFI) و شاخص برازندگی افزایشی (CFI) شاخص‌هایی هستند که برازش یک مدل معین را با مدل پایه مقایسه می‌کنند که قایل به وجود کواریانس میان متغیرها نیست (بتلر، ۱۹۹۰). هر چه این شاخص‌ها به یک نزدیکتر باشند، برازش مدل بهتر است. البته، این مقدار باید حداقل ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود (بتلر، ۱۹۹۰ و هیو<sup>۲</sup> و بتلر، ۱۹۹۵؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص ریشه خطای تقریب میانگین مجزورات (RMSEA) یکی دیگر از شاخص‌های برازندگی است ریشه دوم میانگین مجزورات باقی‌مانده است که به عنوان تابعی از مقدار کواریانس تفسیر می‌شود (هومن، ۱۳۸۴). براون و کودک<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) مقادیر بالاتر از ۰/۱۰ را برای مدل‌های با برازش ضعیف، بین ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ را برای مدل‌های با برازش متوسط، بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ را برای مدل‌های با برازش مناسب و کمتر از ۰/۰۵ را برای مدل‌های با برازش عالی می‌دانند. همچنین مک‌کلوم<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۶) و هیو و بتلر (۱۹۹۹) مقادیر بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ را نشان‌دهنده برازش مناسب و خوب می‌دانند. لوئلین<sup>۵</sup> (۱۹۸۷) نیز مقادیر کمتر از ۰/۱۰ را نشانه برازش مناسب مدل قلمداد می‌کند.

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به ویژه نسبت مجزور کای به درجه آزادی برابر ۱/۱۲ برای مردان و ۲/۱۸ برای زنان (ملاک ۲ تا ۵)، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۵۹ برای مردان و ۰/۹۳۱ برای زنان، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر ۰/۹۲۹ برای مردان و ۰/۹۱۰ برای زنان، شاخص برازندگی مقایسه‌ای (IFI) برابر ۰/۹۹۵ برای مردان و ۰/۹۴۶ برای زنان، شاخص برازندگی افزایشی (CFI) برابر ۰/۹۹۴ برای مردان و ۰/۹۴۶ برای زنان، شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر ۰/۹۵۳ برای مردان و ۰/۹۰۶ برای زنان و ریشه خطای تقریب میانگین مجزورات (RMSEA)

- 
1. Tabachnick & Fidell
  2. Hu
  3. Browne & Cudeck
  4. MacCallum
  5. Leohlin

برابر ۰/۰۳ برای مردان و ۰/۰۴۹ برای زنان است که نشان می‌دهد مدل نهایی از برازندگی مناسبی برخوردار است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تفاوت شاخص‌های برازش مدل برای نمونه مردان و زنان اندک، ولی بااهمیت است. شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) در نمونه زنان و مردان به هم نزدیک است، ولی شاخص برازندگی نسبت مجذور کای به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ ) و ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) برای نمونه مردان بسیار چشمگیر است. به طور کلی می‌توان گفت همه شاخص‌های برازش مدل برای مردان نسبت به زنان مناسب‌تر بوده است.

در یک مدل کامل معادله ساختاری همه روابط یا پارامترها (اعم از اندازه‌گیری و ساختاری) را می‌توان به عنوان یک سری از معادلات رگرسیون نشان داد. این معادلات در جدول ۳ ارائه شده است.

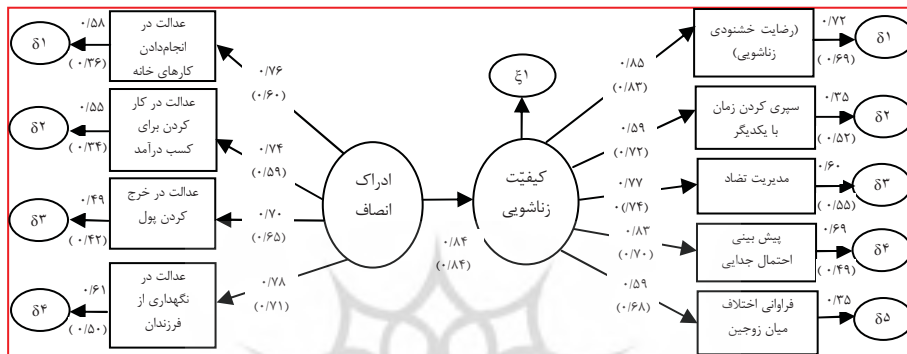
جدول ۳: معادلات ساختاری و اندازه‌گیری برای مدل نمایشی کیفیت زناشویی

معادلات ساختاری
$MQ = \beta (EP) + \xi$
معادلات اندازه‌گیری
$X_1 = \lambda_1 + (EP) + \delta_1$
$X_2 = \lambda_2 + (EP) + \delta_2$
$X_3 = \lambda_3 + (EP) + \delta_3$
$X_4 = \lambda_4 + (EP) + \delta_4$
$Y_1 = \lambda_5 + (MQ) + \xi_5$
$Y_2 = \lambda_6 + (MQ) + \xi_6$
$Y_3 = \lambda_7 + (MQ) + \xi_7$
$Y_4 = \lambda_8 + (MQ) + \xi_8$
$Y_5 = \lambda_9 + (MQ) + \xi_9$

توجه: ادراک انصاف=EP، کیفیت زناشویی=MQ

دیده می‌شود که در جدول ۳ یک معادله ساختاری (متناظر با یک متغیر مکنون وابسته یعنی کیفیت زناشویی) وجود دارد که هر یک شامل متغیرهای علی وزن‌های مربوطه ( $\beta$ ) و

جمله خطا ( $\xi$ ) و ۹ معادله اندازه‌گیری برای هر نشانگر وجود دارد که شامل متغیر مکنون مفروض و بار عاملی متناظر با آن ( $\lambda$ ) و یک جمله خطا ( $\delta$ ) برای متغیر مستقل مکنون و یک جمله خطا ( $\varepsilon$ ) برای متغیر وابسته مکنون است.



شکل ۲: مدل نهایی انصاف به عنوان پیش‌بین کیفیت زناشویی

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود الگوی پیشنهادی برای نمونه مردان و زنان تأیید شد. کلیه ضرایب مسیر در مدل پیشنهادی برای نمونه مردان و زنان در سطح  $p < 0.0001$  معنادار است. برای بررسی فرضیه پژوهش، از ضرایب استاندارد ذکر شده در مدل ۲ استفاده می‌شود. ضریب مسیر ادراک انصاف به کیفیت زناشویی در مردان و زنان مثبت و معنادار است (به ترتیب  $\beta = 0.84$  و  $\beta = 0.84$ ,  $P < 0.0001$ ). این یافته فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند.

عدالت در نگهداری از فرزندان مهمترین شاخص ادراک انصاف در زنان و مردان است. درجه اهمیت سایر شاخص‌های ادراک انصاف در نمونه مردان به این ترتیب است: عدالت در انجام‌دادن کارهای خانه، عدالت در کارکردن برای کسب درآمد و عدالت در خرج کردن پول. درجه اهمیت سایر شاخص‌های اهمیت در نمونه زنان به این ترتیب است: عدالت در خرج کردن پول، عدالت در انجام‌دادن کارهای خانه و عدالت در کارکردن برای کسب درآمد. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد شاخص‌های اقتصادی نقش مهمی در ادراک انصاف زنان دارد.

رضایت زناشویی مهمترین شاخص کیفیت زناشویی در زنان و مردان است. درجه اهمیت

سایر شاخص‌های کیفیت زناشویی در نمونه مردان به این ترتیب است: پیش‌بینی احتمال جدایی، مدیریت تضاد، سپری کردن زمان با یکدیگر و فراوانی اختلاف میان زوجین. درجه اهمیت سایر شاخص‌های کیفیت زناشویی در نمونه زنان به این ترتیب است: مدیریت تضاد، سپری کردن زمان با یکدیگر، پیش‌بینی احتمال جدایی و فراوانی اختلاف میان زوجین.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ارزیابی مدل ساختاری درباره اثر مثبت ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی تأیید شد، که هماهنگ با پژوهش‌های پری (۲۰۰۴)؛ پرن و بانک (۱۹۹۰)؛ به نقل از کرایبی، (۱۳۸۷)؛ اسپرچر (۲۰۰۱)؛ فنی و همکاران (۲۰۰۵)؛ یوتنی و همکاران (۱۹۸۴) و تراپمن و همکاران (۱۹۸۱) است. پترسون و همکاران (۲۰۰۴) هم معتقد هستند که ادراک انصاف در تمام مراحل زندگی زناشویی در افزایش رضایت و کیفیت زناشویی نقش بسزایی دارد. آدامز (۱۹۶۵) نیز ادراک انصاف را به صورت ادراک فرد از تساوی نسبت درون داد (سرمایه گذاری - در روابط زناشویی) به برون داد (پاداش یا عایدی - رضایت زناشویی) برای فرد و شخصی تعریف کرده که با او در تبادل ارتباطی است. نتایج پژوهش حاضر همچنین با تعریف جدید اسپرچر (۲۰۰۱) از ادراک انصاف هماهنگ است. او معتقد است که ادراک انصاف به احساس تعادل میان پیامدها (پاداش‌ها و خسارات) و سرمایه گذاری شرکا (زن و شوهر) در ارتباط اشاره دارد. همه پژوهش‌های مذکور نشان دادند که انصاف افزایش رضایت زناشویی را سبب می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد، همسرانی که از ادراک انصاف بالاتری در روابط زناشویی خود برخوردارند، کیفیت زناشویی بالاتری دارند. در تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که مطابق با نظریه انصاف، در روابط زناشویی غیرمنصفانه همسران به درماندگی و احساسات منفی دچار می‌شوند. این احساسات منفی که می‌تواند خشم یا احساس گناه باشند، مانع از احساس خشنودی در زوجین می‌شود. از طرفی همسری که شریک او نسبت به او بی‌انصافی می‌کند با خود می‌اندیشد اگر او مرا دوست داشت با من این‌گونه رفتار نمی‌کرد و این تفکر تشدید احساسات منفی و کاهش رضایت از همسرش را سبب می‌شود در نتیجه دیگر تمایلی به صرف وقت برای همسر خود و گذراندن زمان با او را ندارد زیرا از رفتار غیرعادلانه همسرش در حق او راضی نبوده و از بودن در کنارش لذت نمی‌برد.



همچنین زمانی که در حیطه‌های مختلف زندگی تقسیم مسئولیت‌ها و وظایف عادلانه نباشد این موضوع موجب اختلاف و تعارض میان زوجین می‌شود و از آنجایی که هر یک از زوجین خود را حق به جانب می‌داند لذا توانایی همسران برای حل مشکلات و از بین بردن تعارضات میان آن‌ها کاهش می‌یابد. عکس موارد ذکر شده در روابط منصفانه حاکم است. در واقع نظریه انصاف پیش‌بینی می‌کند که، سطوح بالای ادراک انصاف در رابطه افزایش احساسات مثبت و کیفیت زناشویی در زوجین را موجب می‌شود. در واقع زمانی که زوجین احساس کنند عدالت در روابط آن‌ها حاکم است و هردوی آن‌ها در رابطه هزینه و پاداش یکسانی دریافت می‌کنند با رضایت خاطر بیشتری وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند و این احساس که همسرشان آن‌ها را دوست دارد و برای رضایت خاطر او رفتار منصفانه‌ای در پیش گرفته است افزایش رضایت زناشویی و در نتیجه بهبود کیفیت زناشویی را باعث می‌شود.

در این پژوهش ضریب مسیر بین انصاف و کیفیت زناشویی بسیار چشمگیر است و عدالت در نگهداری از فرزندان مهمترین عامل پیش‌بین ادراک انصاف است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌بینی نظریه انصاف در این مورد، در این پژوهش تأیید شد. در واقع زمانی که همسران احساس کنند، که تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها برای آن‌ها و همسرشان منصفانه است با انگیزه بیشتری وظایف خود را انجام می‌دهند و رضایت بیشتری از زندگی دارند. بنابراین، می‌توان اظهار کرد که احساسات مثبتی که حاصل ادراک انصاف در رابطه زناشویی است می‌تواند بر افزایش کیفیت زناشویی بیفزاید و در این صورت همسران با احتمال بیشتری در صدد رعایت انصاف در روابط خود و همسرشان خواهند بود.

نتایج این پژوهش بیان‌کننده این حقیقت است که ادراک انصاف عامل بسیار مهمی در روابط سالم است. انسان‌ها همواره در روابط اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و زناشویی خود خواستار روابط منصفانه هستند. آن‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه دائماً در حال احتساب سودی هستند که از مشارکت در یک رابطه نصیبشان می‌شود. در واقع آن‌ها در جستجوی عدالت و برقراری تعادل بین درون‌دادها و برون‌دادهای خود هستند. امروزه ادراک انصاف عامل بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در چگونگی روابط زناشویی و کیفیت زناشویی است، اما در ازدواج سنتی جایگاه و نقش افراد محدود و مشخص بودند، شوهر اقتدار و حمایت اقتصادی را فراهم می‌کرد و زن مسئولیت منزل و تربیت کودکان را بر عهده داشت. با گذشت زمان و پررنگ

شدن نقش زنان در اجتماع این وضع تغییر کرد. اشتغال زنان باعث شد که در درآمدزایی خانواده با همسر خود شریک شوند و این امر سبب افزایش اقتدار و نقش آن‌ها در خانواده شد. همچنین شرکت زنان در اجتماع و به وجود آمدن نقش‌های جدید سبب افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به حق و حقوقشان و تساوی حقوق زن و مرد و مسأله انصاف شد. امروزه در زندگی زناشویی مسئولیت‌ها یا تقسیم می‌شوند یا بر یک مبنای فردی تعیین می‌شوند. نتیجه تغییر کاملاً روشن است: هنگامی که اهداف برآورده نمی‌شود هر کدام از زن و شوهر از خود می‌پرسند: چرا باید این رابطه را حفظ کنم در حالی که بهای زیادی برای آن می‌پردازم و در عوض سود کمی به دست می‌آورم.

تأیید مدل پیشنهادی این پژوهش و همسویی بسیار نزدیک یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های خارجی، نشان داد که تأثیر مثبت ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی در زنان و مردان یکسان است، و این تأثیر وابسته به جنس و فرهنگ نیست و نشان دهنده این اصل مهم است که ادراک انصاف مبتنی بر اصل عدالت میان فردی است که به طور ضمنی در هر قرارداد و تعامل اجتماعی به چشم می‌خورد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود که پژوهشگران و درمانگران دیگری که از این پژوهش استفاده خواهند کرد، باید به آن‌ها توجه کنند. اگرچه داده‌های این پژوهش با الگوی ساختاری آزمون شده هماهنگ هستند، ولی کاربرد آن‌ها در روابط علت و معلولی باید با احتیاط انجام شود. با توجه به اجرای پژوهش در جامعه شهر اهواز تعمیم نتایج به گروه‌های اجتماعی دیگر باید با احتیاط و با توجه به ملاحظات فرهنگی مختلف انجام شود. با توجه به نتایج پژوهش‌های گذشته و پژوهش حاضر مبنی بر نقش مثبت ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آزمایشی در زمینه اثربخشی آموزش انصاف بر کیفیت زناشویی زوجین انجام شود. بررسی اثر انصاف بر کیفیت زناشویی در گروه‌های فرهنگی و قومی مختلف پیشنهاد دیگر پژوهش حاضر است.

## منابع

- خجسته مهر، رضا، (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین‌های مؤفقت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز. پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کرای، امین، (۱۳۸۷). بررسی مدل پیشنهادی برخی پیشایندها و پیامدهای گذشت. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره ی خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۴). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، چاپ اول، تهران، سمت.
- Adams, J. S., (1965).** *Inequity in social exchange*. In L Berkowitz (Eds). *Advances in experimental social psychology*, 2, 267-299. New York: Academic press.
- Bentler, P. M. & Bonnet, D. C., (1980).** Significance Tests and Goodness of Fit in the Analysis of Covariance Structures. *Psychological Bulletin*, 88 (3), 588- 606.
- Blair, S. L., (1993).** Employment, family, and perception of marital quality among husbands and wives. *Journal of family issues*, 14, 189-212.
- Browne, M. W., & Cudeck, R., (1993).** *Alternative ways of assessing model fit*. In K. A. Bollen & J. S. Long (Eds.). *Testing structural equation models* (pp. 136-162). Newbury Park, CA: Sage.
- Carell, M. R. & Dittrich, J. E., (1978).** Equity Theory: The Recent Literature, Methodological Considerations, and new Directions. *The Academy of Management Review*, 3, 202-210.
- Cate, R. M., Lloyd, S. A., Hentone, J. M., & Larson, J. H., (1982).** Fairness and reward Level as predictors of relationship satisfaction. *Social Psychology Quarterly*, 45, 177-181.
- Feeney, J., Peterson, C& Noller, P. A., (2005).** Equity and marital satisfaction over the life cycle. *personal relationship*, 11, 83-99.
- Frisco, M. L. & Williams, K., (2003).** Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of family Issues*, 24, 51-73.
- Hu, L. & Bentler, P. M., (1995).** *Evaluating model fit*. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, Issues, and Applications* (pp. 76-99). London: Sage.
- Hu, L. T. & Bentler, P. M., (1999).** Cutoff Criteria for Fit Indexes in Covariance Structure Analysis: Conventional Criteria versus New Alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6 (1), 1-55.

- Jöreskog, K. & Sörbom, D. (1993).** *LISREL 8: Structural Equation Modeling with the SIMPLIS Command Language*. Chicago, IL: Scientific Software International Inc.
- Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970).** Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994).** Premarital predictors of marital quality and stability. *Family Relations*, 43, 228-237.
- Lloyd, S., Cate, R. M. & Henton, J. (1982).** Equity and rewards as predictors of satisfaction in casual and intimate relationships. *Journal of Psychology*, 110, 43-48.
- Loehlin, J. C. (1987).** *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural analysis*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- MacCallum, R. C., Browne, M. W. & Sugawara, H., M. (1996).** Power Analysis and Determination of Sample Size for Covariance Structure Modeling. *Psychological Methods*, 1 (2), 130-49.
- Olson, D. H., Fournier, D. G. & Druckman, J. M. (1992).** *ENRICH: Enriching and nurturing relationship issues, communication, and happiness*. Family inventories, Minneapolis.
- Perry, B. J. (2004).** *The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African American and Caucasians*. Unpublished Doctoral Dissertation, Ohio state University.
- Shaw, M. E. & Costanzo, P. R. (1982).** *Theories of social psychology*. New York: McGraw-Hill.
- Sprecher, S. (1986).** The relationship between inequity and emotions in close relationships. *Social psychology Quarterly*, 49 (4), 309-321.
- Sprecher, S. (2001).** Equity and social exchange in dating couples: Association with satisfaction, commitment and stability. *Journal of marriage and family*, 63, 599-613.
- Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2007).** *Using Multivariate Statistics* (5th Ed.). New York: Allyn and Bacon.
- Traupmann, J., Peterson, R. & Hatfield, E. (1981).** Measuring equity in intimate relations. *Applied Psychological Measurement*, 5, 467-480.
- Utne, M. K., Hatfield, E., Traupmann, J. & Greenberger, D. (1984).** Equity, Marital Satisfaction and stability. *Journal of social and personal relationships*, 1, 323-32.
- Vanwilligen, M. & Derenta, P. (2001).** Benefits OF equity in relationship. *Journal of research*, 2, 212-235.
- Wheaton, B., Muthen, B., Alwin, D., F. & Summers, G. (1977).** Assessing Reliability and Stability in Panel Models. *Sociological Methodology*, 8 (1), 84- 136.
- Walster, E., Walster, G. W. & Berscheid, E. (1978).** *Equity: Theory and research*. Boston: Allyn and Bacon.
- Walster, E., Trupmann, J. & Walster, G. W. (1978).** Equity and extramarital sexuality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 36, 82-92.
- Wilkie, J. R., Ferree, M. M. & Ratcliff, K. S. (1998).** Gender and fairness: Marital satisfaction in two-earner couples. *Journal of Marriage and the Family*, 60, 577-594.